



۲۱

سوسیالیسم امروز

۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ - ۶ آبان ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی

**گفتگو با رفیق سلام زیجی در
باره تحولات کردستان عراق
(رفراندوم، کرکوک، ناکامی ها، درسها و راحلها)**

صفحه ۳

**نسل جوان، نسل آزادیخواه و
نسلی در حرکت
(قسمت اول)**

صفحه ۱۱

**حقوق کودکان در ایران تحت
حاکمیت جمهوری اسلامی**

صفحه ۱۲

**اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند
(قرآن را با زبان مادری بخوانیم)**

صفحه ۱۰

**در باره نیروی مسلح و
"مبارزه مسلحانه"
علیه جمهوری اسلامی**

حزب سوسیالیست انقلابی

مساعده ترین شکل مبارزه طبقاتی برای حزب و جنبش ما عدم حضور و ضرورت هر شکلی از نیروی مسلح است! اما متأسفانه جهان پیرامونی ما، شرایط منطقه و از جمله افسارگسیختگی جمهوری اسلامی ضرورت چنین سیاستی را به ما تحمیل کرده اند.

ما نه به تحولات و نیروها و دولتهایی که با آن روبرو هستیم، و نه به رژیم وحشی چون جمهوری اسلامی هیچ توهمی نداریم. بر این حقیقت ساده واقف هستیم که کلیه این روند از جمله سیاستهای رژیم ایران را با زبان خوش نمیتوان پس زد! وحشیانه تر علیه کارگر و کمونیزم و آزادی زن و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی و رفاه و امنیت جامعه عمل کرده و آنها مسلح اند علیه ما و جنبش برای آزادی و برابری! و برای حراست از حاکمیت قاتلان و جنایتکاران تاریخ! برای حراست از تداوم سیستم جنایتکارانه کار مزدی! و برای تداوم حاکمیت یک اقلیت مفتخور بر اکثریت جامعه! برای پیشگیری از رسیدن کارگر و زحمتکش به نظام حکومتی خودشان! در اینرو علیرغم میل واقعی خودمان بحث کردن از نیروی مسلح و ضرورت سازمان دادن نیروی مسلح برای جنبش سوسیالیستی و کارگری و صف آزادیخواهان به یک عرصه مهم و یک ضرورت سیاسی و غیر قابل انکار

مبارزه طبقاتی و آزادیخواهانه ما در کل جامعه ایران تبدیل شده است. صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

در باره نیروی مسلح و...



در نتیجه این عرصه جایگاه مهمی در فعالیت ما خواهد داشت. مانند هر عرصه دیگر مبارزه طبقاتی در جامعه ایران و علیه طبقه حاکمه و جمهوری اسلامی. اما سازمان مسلح مورد نظر ما در شکل و در چهار چوب سنتهای تاکتونی که تحت عنوان "مبارزه مسلحانه" در جامعه شناخته می شوند، سازمان پیدا نخواهد کرد. قبلاً به روشنی آن سنتها را نقد کرده ایم، آن سنتها را قبول نداریم. ما سنتهای متکی به سیاست خود، سنت و اهداف سوسیالیستی را در این عرصه نیز جاری خواهیم کرد.

ضمن اتکای جدی به تعمیق رادیکال مبارزه طبقاتی و سیاسی و رودرو با حاکمیت، به تعمیق مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران علیه دولت و سرمایه داران، به انجام مبارزه قهر آمیز و اعمال قهر انقلابی علیه این حاکمت باور جدی داریم. ما معتقدیم خطر سرایت سناریو سیاه به ایران و وجود ظرفیت سناریو سیاهی در بخش قابل توجه ایی از نیروهای اپوزیسیون ملی و اسلامی تحولات آتی ایران را پیچیده تر و پر مخاطره تر از آن تصورات کودخانه و پوپولیستی چپ خواهد کرد. حزب ما و ضرورت نیروی مسلح که بر آن تاکید داریم علاوه بر وجود مخاطره خود رژیم و ضرورت مبارزه قهر آمیز با آن، به این مخاطر واقعی هم توجه جدی دارد و خودش را برای چنین اتفاقات احتمالی نیز از هم اکنون آماده نماید.

حکومت سرمایه داران فاشیست مذهبی که ۳۸ سال تمام است با سرکوب و اعدام و زندان و کشتار و ایجاد فضای سرکوب به حیات ننگین خود ادامه داده است، نه تنها علیه ما کارگران و کمونیستها و طرفداران آزادی و برابری با زبان اسلحه و سرکوب خشن رفتار کرده، که بعضاً در قبال یاران جنایتکار دیروز و امروز صفوف خودشان نیز با زور و سرکوب و زندان پاسخ داده است. از اینرو هر نیروی که مخالف دست بردن مردم و ما اپوزیسیون کمونیست و انقلابی به اسلحه در مقابل چنین رژیمی باشد اگر مرتجع و عامل مواجب بگیر رژیم نباشد یک سیاستمدار ساده لوح و جز قربانیان دست حاکمیت یا اپوزیسیون بورژوائی است. ما به این عرصه اقدام نظامی و ملیس توده ای اهمیت می دهیم، طبقه کارگر و سوسیالیستها و انقلابیون آگاه به آن اهمیت می دهند. حزب ما باید و موظف است با توجه به ضرورت خاص زمانی و مکانی و شرایط و نیاز روز جنبش وارد این میدان هم بشود و برایش نقشه و برنامه دقیق و سنجیده داشته باشد!

جمهوری اسلامی و بورژوازی حاکم در ایران در طول حیات خود تلاش کرده تا طبقه کارگر به کمونیزم مسلح نشود، به تشکله دست پیدا نکند، به حزب کمونیستی اش ملحق نشود، به ارکان ارتجاعی و ایدئولوژیکی بورژواها مانند مذهب و ملت پرستی پشت نکنند، به اهداف سیاسی و اقتصادی نائل نگردد، به کسب قدرت سیاسی و دولت کارگری خودش فکر نکند، به ابزارهای که کارگر و سوسیالیسم را به قدرت می رساند دست نیابد، به ابزارهای حتی دفاعی خود نیز نباید دسترسی پیدا کند. یعنی خلعت از هر شکلی از مکانیزم متشکل شدن و ابزارهای قدرت و تحرک انقلابی. تحمیل چنین موقعیتی به صف ما شرط بقای جمهوری اسلامی و هر حکومت سرمایه داری و ارتجاعی است.

متأسفانه جمهوری اسلامی و اوباش آن موفق شده اند در رابطه با همه این عرصه ها به طبقه کارگر و صف چپ و جنبش سوسیالیستی ضربه وارد کنند. جامعه و ما را از طریق اسلحه سرکوب کرده و هر شکلی از مبارزه سیاسی و "قانونی" را سلب کرده اند. حتی ما نه حق تشکل و تحزب داریم نه حق دست بردن به اسلحه برای پس زدن نیروهای مزدور و سرکوب دولتی! به ما فقط حق زندگی بردگی داده اند! اما ما به آنها میگوییم غلط می کنید! می گوئیم شما را سرنگون می کنیم، باید اینکار را کرد!

هر گاه کارگران و انقلابیون سوسیالیست دست به مقاومت میزنند، دست به اسلحه میبرند، اقدام انقلابی انجام می دهند، شیدانه اسم خشونت طلب بر پیشانی ما می چسبانند. در حالی که تمام تاریخ خشونت و آدمکشی، تمام جنگ و خونریزیها، تمام زندانها و اعدامها، تمام حاکمیتهای خشن پلیسی و سرکوبگر، و هر شکلی از سرکوب و خون پاشاندن به تظاهراتهای کارگری و مدنی و غیره مال آنها و به دست آنها صورت گرفته و می گیرد. و برخورد آنها به ما و جنبش ما به قدمت تاریخ ننگینشان مملو از خشونت و سرکوب و کشتار و اعدام و ترور و وحشی گری بوده و هست. ما اعلام میکنیم با این اوضاع مقابله می کنیم، قبول نخواهیم کرد، بس است! این تفاوت اولیه و پایه ای ما با دیگر جریانهای غیر کارگری و غیر کمونیستی اپوزیسیون هم هست.

ما حزب عمل انقلابی هستیم، می خواهیم چنین باشیم. سی و هشت سال جنایت و بربریت و قتل و آدمکشی و استثمار و تجاوز و نابود کردن صدها هزار انسان در جامعه ایران بدست کثیف جمهوری اسلامی از ما می خواهد که باید چنین مبارزه و ابزارهای را سازمان دهیم و این نظام سرمایه و جنایت و جهل مذهبی را سرنگون کنیم! اگر سوسیالیست هستیم اگر مبارز و آزادیخواهیم باید آن حساسیتی که رژیم به کل پروژه کمونیست ها دارد و برایش نگران کننده است را با دست بردن به ابزارهای قدرت طبقاتی خود، منفعتش را بیش از پیش به خطر به اندازیم و علیه خودش به کار ببریم. ما دقیقاً باید خلاف جریان عمل کنیم،

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



گفتگو با رفیق سلام زیجی در باره تحولات کردستان عراق (رفراندوم، کرکوک، ناکامی ها، درسها و راحلها)

سلام زیجی

سوسیالیسم امروز: همچنانکه می دانید در ۲۵ سپتامبر امسال علیرغم فشارهای آمریکا و کشورهای ایران و ترکیه و عراق، در کردستان عراق رفراندومی برای استقلال کردستان برگزار شد. متأسفانه همچنانکه پیش بینی هم شده بود، این رفراندوم آنطور که می بایست و خواست شهروندان مقیم کردستان بود پیش نرفت. تنها چند روز بعد از برگزاری رفراندوم دولت عراق در یک هماهنگی نظامی با ایران و ترکیه و گرفتن چراغ سبز از آمریکا و در "تیبانی" با بخشی از رهبری احزاب حاکم در "حکومت اقلیم کردستان" یورش نظامی گسترده ای را شروع و در گام نخست شهر نفت خیز کرکوک را بدون مقاومت و رویاروی جدی نیروی مسلح پیشمرگ، به کنترل خود در آورد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران این رویدادها را چگونه ارزیابی میکند؟ چرا باید برگزاری و شرکت در یک رفراندوم بدون توصل به زور و خشونت شهروندان کرد زبان به چنین مسیر خونین و جنگ و کشمکش کشانده شود؟

اینکه چرا پاسخ برگزاری یک رفراندوم بدون هیچ گونه خشونت و توصل به زور و شرکت آزادانه در آن با تهدید و جنگ و قشون کشی جواب داده میشود گویای حقانیت همان شهروندانی است که میگویند همزیستی با چنین دولتی در عراق ممکن نیست و ناچاراً باید جدا شد و کشور مستقل ایجاد کرد.

برخی مدعی هستند این پروسه به موقع نبوده و ملزومات کافی فراهم نشده بود و یا حتی اشتباه بود و غیره، اما در هر صورت عامل اصلی پیش آمدن شرایط کنونی اینها نیست، بلکه وجود فرهنگ سرکوب و رواج وقاحت سیاسی و میدان داری آشکار کانگستریسم دولتی و اسلامی است که چنین پاسخی به مردمی می دهد که بدون توصل به زور و خشونت رفته اند در یک رفراندوم شرکت کرده اند. همینها در روزهای آفتابی و در راستای منافع و سیاست ونیرگ خود به مردم قول "دمکراسی" و "اراده مردم" و "حق تعیین سرنوشت" و "خشونت گریزی" و "حق انتخابات" و غیره میدهند. دم خروس کلیه اینها در چنین مواقعی بیرون می افتد!

در باره نیروی مسلح و...

خلاف تمام قواعد و قوانین و منفعتهای جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای اسلامی و قوم پرست.

وقتی ما از میلیس توده ای، سازمان مسلح، مقاومت مسلحانه و ملیتانت و غیره بحث می کنیم مطلقاً سر سوزنی به معنای جایگزینی آن با تشکل کارگری و هیچ تلاش و مبارزه سیاسی و اجتماعی دیگری نیست. این بحث آنهایی است که در پوشش کارگر پناهی کردند یا آنها که بطور کلی میدان واقعی سیاست و مبارزه را ترک کرده اند و بازنده دست جمهوری اسلامی اند، به این شکل نقش بی نقشی خود را توجیه می کنند. با این ترندها عملاً کارگر و کمونیسم را از دست بردن به ابزارهای قدرت و کسب قدرت منع میکنند. اینها خیلی "دمکرات" و "خشونت گریز" هستند. اما کمونیستها و کارگران مبارز درست بر عکس این نظریات ضد کارگری و بورژوائی باید عمل کنند. اینها همواره چنین کرده اند و همیشه هم با این ترندهای "تئوریک" تو خالی و ضد کارگری به بقای دولت و بورژواها در میدان عمل مبارزه سیاسی و طبقاتی خدمت کرده اند. بخشی از علل بقای تاکنونی چنین رژیم فاشیستی و اسلامی محصول این سیاست بازان "منزه طلب" در تحولات سیاسی ایران و در میدان نبرد واقعی برای سرنگونی این رژیم جانی میباشد.

همینجا لازم به تاکید است اعلام کنیم که ضمن تاکید بر ایجاد فوری نیروی مسلح و تاکید درست ما بر ضرورت سازماندهی چنین نیروئی، اما این به معنی اقدام فوری مسلحانه در فضای سیاسی کنونی علیه رژیم نیست! ما اکنون چنین تصمیمی نداریم که بلاواسطه وارد اقدام نظامی علیه رژیم شویم. هر گاه بنا به ضرورت مبارزه طبقاتی و سیاسی به این نتیجه برسیم تصمیم سیاست خود را به جامعه اعلام می کنیم. زنده باد سازمان مسلح توده ای و سوسیالیستی!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۸ مرداد ۱۳۹۶

۱۹ آگوست ۲۰۱۷

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

و بدین ترتیب پوچی و حقه بازی همه مدعیان بورژوازی، اعم از دولتها و احزاب ناسیونالیستی و اسلامی و دروغگو بودن آنها حول چنین مفاهیمی بر ملا میگردد. میتوان گفت این اتفاق یکبار دیگر چهره کریان و جنایتکارانه و مدافین "مردمی" همه آنها را بر ملا نمود. از دولت مردان امریکائی تا جنایتکاران حاکم در ایران و عراق و ترکیه و تا ناسیونالیستهای بورژوازی همیشه سر بزیر دولتهای حاکم و اما شیر در مقابل شهروندان "خودی".

اینکه با پدیده فراندوم و مراجعه به ارا مردم و انتخابات کردن که بسیار پذیرفته شده است حتی در عرف دنیای کاپیتالیستی و مناسبات درونی ارتجاعی خودشان اینگونه با جنگ و لشکر کشی و تهدید و همکاری همزمان چند کشور علیه آن عکس العمل نشان داده شد، این پیام تلخ و سخت تاریخی را از نو اعلام کردند که چنین دولتهای از جمله دولت اسلامی حاکم برعراق در ادامه همان دوره صدام حسین هیچ تصمیم و قصدی ندارد برای حل واقعی مساله کورد و پایان دادن به این معضل دیرینه، جز تلاش برای تبدیل آنها به مزدوری و زیر مجموعه خود و تمکین کردشان به وجود ستم و کشمکش بی پایان. دوباره به ثبوت رسید که جز به کرنش کشاندن احزاب ناسیونالیست کرد و از این طریق کل جامعه کردستان عراق به زیر سایه حاکمیت اسلامی - عربی-شونیستی

و تداوم جنگ و کشمکش بی انتهای ناسیونالیستی و قومی به بهانه مزخرفاتی چون دفاع از "تمامیت ارضی کشور و قانون اساسی" و "نظام فدرالیستی" ارتجاعی و شکست خورده.

دولتهای مستبد اسلامی و شونیستی حاکم دقیقا همین شگردها و توجیهاات را برای سرکوب گرهی ترین مسائل سیاسی اجتماعی و سیاسی در کل جامعه تحت حاکمیت خود دنبال کرده اند. مگر غیر از فراندوم بقیه مطالبات هر روزه کارگران و و زنان و آزادی بیان و نشر و تحزب و بیان نقد و مخالفت سیاسی با آن دولتها و دین و مذهب و ملیت پرستی شان با سرکوب مستمر و عریان همواره روبرو نشده است؟. واقعیت این است ما حتی با دولتها و احزاب نرمال بورژوائی، ملی و مذهبی به معنی "کلاسیک" آن در این مناطق روبرو نیستیم! همین واقعیت گویای این است که با مبارزه کلاسیک سیاسی و مدنی و استانداریهای امروزی مبارزه و اعتراض حتی رایج در دیگر مناطق پیشرفته سرمایه داری هم نمیتوان با آنها مقابله نمود! این آشکارا افسار پاره کرده اند، آشکارا آدمکش و دزدند! اپوزیونی هم که از خود بیرون می دهند غالباً کویی خودشان هستند! از خامنه ای تا عبادی و مالکی، از اردوغان و اسد تا دیگر مقامات و پادشاهان دوره قرون وسطی حاکم درکشورهای عرب زبان، بوش و ترامپ امریکایی "متمدن" و "پدر کردها" تا اپوزسیون راست و بی خاصیت آن منطقه یکی پس از دیگری افسارشان پاره شده است و دارن زندگی دهها میلیون انسان را هر روزه به تباهی میکشانند و این امر جنایتکارانه را

به تکیه گاهی برای ادامه حاکمیت خود و چپاول ثروت و منافع آن جوامع قرار داده اند.

از اینرو شما تا زمانی که زور به مراتب بیشتر و بسیج توده ای به مراتب گسترده تر و احزاب به مراتب مربوط تر به منافع جامعه از جمله احزاب چپ و سوسیالیست و غیر قومی و غیر مذهبی دیگری نداشته باشید و نتوانید اعلام کنید که دیگر بس است! و در میدان عمل نتوانید افسار پاره شدگان را از میدان بدر کنید، متأسفانه باید گفت از مسئله رفرا اندم گرفته تا افزایش دستمزد کارگر و آزادی زن و غیره همچنان بی پاسخ می ماند و این در همچنان بر روی آن پاشنه ویرانگر و ارتجاعی خواهد چرخید!

حزب ما بر عکس هزیمتهای صورت گرفته فکری و عملی کنونی، بر عکس ارزیابی های سطحی و احساسی و بخشا ناسیونالیستی- ساده نگرانه چپ و راست که گویا عامل یورش مسلحانه و رفتار غیر عقلانی و شونیستی و زورگویانه ای که اتفاق افتداد در عراق و کردستان عراق به نفس اشتباه آمیز بودن "برگزاری فراندوم"، یا اینکه چون "بارزانی فراخوان داده"، یا حتی گفته شده این "طرح امریکائی" بوده وووو، از درستی و اصولی بودن چنین فراندومی حمایت نموده و خواهیم کرد.

ما علل چنین یورش و طرحها و تباہی ها و ناکامی ها را آنطوری که مختصر اشاره عدم اعتقاد و تحمل و کردیم تمایل به اراده توده مردم و راه حلی برای پایان ناراضی دادن به بیش از یکصد سال کشمکش و دعوی تحمیلی فی مابین دولت فاشیست و اسلام عراق و نیروهای بورژوا

بورژوا ناسیونالیست کرد می بینیم که به قدمت این تاریخ کارگر و زن و آزادی و سوسیالیسم و حق مطالبات و جنبشهای پیشرو به بهانه تداوم چنین کشمکش ارتجاعی سرکوب و به حاشیه رانده شده است. ما عاملین سرکوب و فریب و توطئه و جبهه بندی های ارتجاعی محلی و منطقه ای علیه شهروندان، و کسانی که به مردم دروغ گفته اند، و بنا به دلیل عدم حضور یک نیروی جدی توده ای و مسلح سوسیالیست در راس پروسه رفرا اندوم و طرف حساب اصلی با همه دولتهای مرتجع را دلیل پیش آمدن شرایط کنونی می دانیم. ما سرزنش کردن جامعه و مردمی که رفتند به درست رای مثبت دادن بدترین و سمی ترین شکل سیاست کردن می دانیم. چنین ارزیابیها و برخوردی را مستقیماً در خدمت همان دولتها و نیروهایی ارزیابی میکنیم که با زبان تهدید و لشکر کشی و جنگ و سرکوب و کشتار وارد عمل شدند تا بگویند فراندوم کردن ممنوع است!

هر کسی نفس اصولی بودن فراندوم و حق شرکت در آن و رای به استقلال شهروندان در چنین جامعه ای را اگر با دیگر واقعیتهای و نقطه ضعفها و موانعهای سر راه مانند رهبری غیر قابل اعتماد که در راس آن قرار گرفته و اتفاقی که در این باره رخ داده در این دوره، یا تصمیم و رفتار وحشیانه و ضد مردمی دولتهای سرکوبگر را از هم جدا نکند اشتباه بزرگی خواهد کرد. ما در این وسط از حق رفرا اندوم دفاع نموده و علیه دو پدیده دیگر بوده ایم و راه حل برای

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

رفع آن نیز داشته ایم و گفته بودیم. همینجا یاد آور میشوم آنچه که امروز ما شاهدش هستیم و تناسب قوای که فعلا به زیان پروسه درست رفراندوم شهروندان مقیم کردستان عراق تمام گردیده است برای حزب ما کم و بیش قابل پیش بینی بود به همین دلیل از ماها پیش خواهان رفع کمیوها شدیم که در صورت عدم رفع آن معلوم بود با رهبری "حکومت اقلیم" نمیشود پروسه یک رفراندوم آزاد و مترقی و اصولی را در مقابل یک دولت دست ساخت آمریکا و جمهوری اسلامی و تا مغز استخوان اسلامی و مرتجع و شوونیست به سر انجام واقعی خود رساند.

در اولین موضع گیری خود در تاریخ ۸ تیر ۱۳۹۶ - ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷ از طریق نشریه سوسیالیسم امروز، در مطلبی تحت عنوان "در دفاع از رفراندوم برای استقلال کردستان عراق نه قومی نه مذهبی! زنده باد یک کشور مستقل سکولار و متمدن" (http://www.azadi-b.com/G/2017/06/post_303.html) هم سیاست و استراتژی که باید دنبال گردد و هم نگرانیهای جدی خود را گفته بودیم. گفتیم در صورت عدم رفع سریع خلا آترناتیوی رادیکال و سوسیالیستی موجود در جامعه، با آینده خطرناک و سختی روبروی خواهیم شد. گفته بودیم اگر فرمان رفراندوم دست

احزاب حاکم داده شود ناکامی و شکست و معامله با آنرا تجربه خواهیم کرد. همانجا ملزومات و شروطی برای به سر انجام رساندن پروسه و نتیجه رفراندوم بر شمرده بودیم که چنانچه تامین نگردند نباید از راه امید بستن به احزاب حاکم کرد و آمریکا و غیره به آینده رفراندوم خوشبین بود.

واقعیت این است هیچکدام از آن ملزومات اساسی تامین نگردید. صف و آترناتیو توده ای و سوسیالیستی و سازماندهی مسلح توده ای قدرتمند، مستقل از احزاب حاکم، شکل نگرفت. در کنار این خلا رادیکال در جامعه خود احزاب حاکم با ارزیابی به شدت غلط و متوهم آمیز به آمریکا و دولت‌های منطقه کاری کردن که کل جامعه را نا آماده تر از هر زمان و دست بسته وارد رویارویی و تهدید و جنگی کردند که نصفی از خودشان نیز نه تنها آماده نبودند که فرار کردن و "خیانت" را چون پتکی بر سر شور و شوق و روحیه جامعه فرود آوردند. بجای آماده سازی برای مقابله با مخاطراتی که هر کودکی می دانست جلو درب جامعه را خواهد گرفت ما فقط شاهد جنجال و تبلیغات ناسیونالیستی بودیم که اتفاقا در این مواقع بیش از هر زمانی چون سمی عمل می نمود. چرا که مانع جلب توجه و حمایت و آرامش بقیه شهروندان غیر کرد زبان میشد.

شما اگر قرار است بسوی استقلال از یک کشور پر آشوب و در دل چند کشور مرتجع اسلامی و سرکوبگر گام بردارید، اگر قرار است بعد از بیش از یکصد سال دعوا و کشمکش تصمیم یکطرفه برای جدائی گرفته شود باید در بعد

میلیونی شهروندان را سازمان داده باشید، در داخل و خارج کشور و آنهم در دوره ای که به دلیل نبرد با داعش بطور کلی مسئله کرد با دید مثبتی در جهان روبرو است افکار مترقی جهان را با خودت همراه کنید، بجای آماده سازی نیروی مسلح خود و جامعه در دفاع و نبرد قهرمانانه علیه هر زورگویی و قلدری، بیانیید همانند همه تاریخ ورشکسته ناسیونالیست کرد اساس مسئله را به بدویستان و دوهم پراکنی نسبت به دولتها و در پشت صحنه و بدور از جامعه و بدون کوچکترین اطلاع رسانی درست و صادقانه به همان مردم سرگرم معامله و فروختن همین مردم و رفراندوم باشید معلوم است که یکبار دیگر جامعه را به همراه سیاستهای ارتجاعی و بورژوازی خود به قهقرا حول خواهی برد. شما برای پیروزی یک رفراندوم تا انتها باید شهروندان را شریک نمایید نه اینکه همواره به آنها دروغ تحویل دهید و از مسائل دور نگاه داشت. وقتی موضوع "خیانت کردن" طرح میشود یک پدیده فردی نبوده که بطریق اولی همه رهبری "اقلیم" کم و بیش از احتمال وقوع چنین اوضاعی باخبر بوده اند، خودشان میدانند که بر زمینه و بستر سنت و روشی صورت گرفته است که کل داستان رهبری اقلیم حول پدیده رفراندوم طی کرده است و از روز حول "گفتن رفراندوم الزما برای استقلال" نیست!

برای به سر انجام رساندن چنین پروسه ای باید همه جوانب و احتمالات را با قاطعیت بررسی و برای آن راه حل داشت و جامعه را از پیشی برایش آماده کرد. از فرودگاه و مرز بستن تا حمله نظامی و واقعیت درون اتحادیه میهنی

و تماس مستقیم اوباش مسلح ایران و آمریکا و بقیه همه بطور علنی روی میز همه جامعه قرار می گرفت و آنها برای مواجهه با آن آماده میشدند. بسیار بدهی بود بر عکس قولها و ادعاهای نادرست مسعود بارزانی اوضاع به این راحتی هم نبود که همه چیز به خوشی و خرمی پیش برود! در دل شرایط امروز عراق و منطقه تحت حاکمیت تفنکچیهای اسلامی و ملی گرایان تروریست، و در شرایطی که خود گرادندگان اقلیم تاریخ پر از زور و سرکوب و حق کشی علیه شهروندان کردستان عراق با خود یدک میکشند، و در دوره ای که خود آنها کم و بیش تا غر غره با دولت‌های مرتجع "دوست" هستند، وظیفه پیشروان آن جامعه و سوسیالیستها و سکولارها بود که جامعه را از این واقعیتها آگاه نموده و فراخوان اقدامات و آترناتیو سازیهای دیگر داده میشد. رفراندومی به نتیجه میرسد و خواهد رسید که رهبری آن در دست جریانات رادیکال، سوسیالیستی و انقلابی باشد که امرش مبارزه انقلابی و آزادیبخش است، نه معامله و دیپلماسی بازی و "خیانت" پیشه کردن و غیر شفاف با جامعه.

بنظر من اگر یک جریان رادیکال و اهل عمل انقلابی حتی با چند صد نفر نیروی سازمانیافته مسلح در کردستان عراق و خصوصا در شهر کرکوک حضور میداشت و همان روز اول حمله به کرکوک را به مقاومت کل شهر علیه حشد شعبی و "تبانای" های احزاب کرد تبدیل می کرد و رابطه

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

انسانی و خوبی با شهروندان عرب و ترکمن شهر میداشت، کل سناریو را میتوانست عوض کند. بجای فرار و هزیمت و عقب نشینی، داستان کاملا بر عکس میشد.

با چنین اقدامی نیروی مسلح پیشمرگ احزاب فراری را هم بدون تردید به سوی خود جلب می کردند. مقاومت و اعتراض اولیه و چند ساعته جوانان در آن شهر و خانقین که برآستی بخشی از نیروهای حشد را بیرون راندند، گویای چنین زمینه و ظرفیتی بود. اگر چنین مقاومتی سازمان داده میشد بی تردید امروز ما شاهد تناسب قوای دیگری میبودیم و بنظرم پوزه دولتهای عراق و ایران و ترکیه و امریکا هم مالیده میشد و جهان مرعوب و مسکوت نیز صدایشان در میآمد. مردم در ایران و ترکیه و غیره هم در حمایتشان می ریختند خیابانها. برای چنین امری نیازمند عملی کردن نوعی دیگری از سناریوی کوبانی در کرکوک بودیم. بگذار آنهايي که اسم چنین اقدام انقلابی و بجایی را "گشتن مردم" تئوریزه میکنند و زوزه های شبیه شونیستی و غیر رزمندگی خود را سر بکشند، و در مقابل کشتار شبیه داعش که امثال حشد شعبی و ارتش اسلامی عراق و سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی ها علیه شهروندان در کرکوک و دوزخورماتو و خانقین و منطقه انجام دادند سرگرم نصایح و آگاهگری "طبقاتی" (در واقع ضد طبقاتی) خود باشند!

اقتصاد نهفته است نه امر آزادی و رفاه و امنیت و پیشرفت جامعه. و متأسفانه همین دعوا در امر رفرا ندیم انعکاس پیدا کرد و به زیان شهروندان تمام گردید.

سوسیالیسم امروز: با این حساب راه و امیدی باقی نمانده برای آینده مردم کردستان عراق و نتیجه رفرا ندوم؟

سلام زیجی: مسئله کرد امروز در منطقه و در عراق یک موضوع حل نشده و امر واقعی است که هیچ دولت و نیروی نمی تواند از آن چشم پوشی کند. نه با شعار پوچ تمامیت ارضی و سرکوب میتوان پاسخ آنرا داد، نه با هیاهوی ناسیونالیستی و راسیستی کردی و نه ادعاهای "سوپر چپی" که چنین مسائل گرهی و اجتماعی را به آینده نامعلوم و "مبارزه طبقاتی" صرف حوله می دهند. تا این معضل واقعی و دیرینه حل نشده باشد ما به مثابه نیروهای کمونیست و مسئول باید به نسبت شرایط ویژه هر کشور و منطقه ای پاسخ روشن و اقدام عملی جدی برای پایان دادن به آن در دستور خود داشته باشیم، که بنظر من ما کمونیستها همواره پیگیرترین نیروی مدافع حل فوری این جدال تاریخی بوده ایم، چون علاوه بر نفس ظالمانه بودن ستم ملی و ممانعت از خواندن و نوشتن به زبان مادری و غیره تداوم این کشمکش تحمیلی بر روند مبارزه سوسیالیستی و کارگری و اتحاد شهروندان برای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم سرمایه داران و دولتهای حاکم در آن کشورها نقش مخرب گذاشته است، و در مقابل دو طرف اصلی دعوا یعنی دولت مرکزی و سرمایه داران حاکم و احزاب ناسیونالیست کرد و

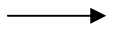
ما میدانستیم و می دانیم که احزاب حاکم و غیر حاکم ناسیونالیسم و مذهبی مطرح در کردستان عراق هر کدام حول جبهه بندیهای منطقه با کشورهای سرکوبگر و حول منافع آنها از جمله در همراهی با ایران و ترکیه و امریکا در آن تحولات نقش ایفا میکنند. ما می دانستیم و میدانیم احزابی که بخش اساسی رهبری آن جز سرمایه داران، صاحبان میلیاردها دلار و شرکت و ساختمان و باغ و خاک و چاه نفت هستند، نیروی که رابطه عمیق سیاسی و اقتصادی با امثال جمهوری اسلامی جنایتکار یا ترکیه اسلامی دارد، و با به خطر افتادن منافعشان دیر یا زود، داوطلبانه یا زیر اجبار، با رای و سرنوشت مردمی که رفتن پای رفرا ندوم بازی خواهند کرد. قبلگاه آنها چه قبل از رفرا ندوم و چه بعد از استقلال، منافع اقتصادی و چگونگی حراست از همین منافع کور و فاسد و قدرت سازمانی و فردی شان است. بقیه داستان "پرچم کردستان" و "سرود کردی" و "شهیدان" تنها در خدمت احساسات ناسیونالیستی تحریک کردنها و حکایتهای پیروامونی است که قرار است اتفاقا به همین جنبه از هدف محوری احزاب بورژوازی کورد خدمت نمایند. همیشه و در طول تاریخ چنین بوده است، تازه امروز صاحب نفت و ثروت عظیمی هم هستند. علاوه بر نقش دولتهای منطقه و وابستگی احزاب حاکم به یکی از آنها اساسا دعوی واقعی درونی بخشهای مختلف سرمایه داران کرد، مشخصا دعوی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات و امثال گوران و جریانات اسلامی هم جبهه ای آنها در اقلیم کردستان نیز با هم در همین مسئله پایه ای قدرت و

سرمایه داران مناطق کرد نشین از این دعوا و تداوم کشمکش همواره به نفع خود سود جسته اند. رویدای که رخ داد مانند دوران و موارد تاریخی پیشین فقط میتواند دردهای این زخم را کش دارتر کند. تا زمانی که این پدید پاسخ اصولی و عادلانه نگیرد این جنگ و دعوا ادامه خواهد داشت.

اما شروط اول و آموزنده درس عبرت گرفتن از اتفاقات ناگوار و شکست و ناکامیها است. بنظر من تا بازی دست "حکومت اقلیم" باشد، تا زمانی که صاحبان ثروت و قدرت در حرم قدرت باقی بماند، تا زمانی که واقعا دست جمهوری اسلامی و ترکیه و امریکا کاملا از سر جامعه کردستان عراق قطع نگردد، تا زمانی که احزاب و جنبش و سیاست دیگر و سازماندهی مبارزه قاطع برای رهایی و پایان دادن به این کشمکش به میدان نیاید نباید به اوضاع کنونی و نیروهای درگیر امیدی بست. اما در هر صورت نباید نا امید بود.

از نو باید برخاست و با تجربه و آمادگی بیشتر مبارزه برای به نتیجه رساندن نتیجه رفرا ندیم در کردستان عراق را به یک امر واقع تبدیل کرد. و این کار را در همین دوره پیشرو باید انجام داد نه موکول کردن آن به آینده نامعلوم. اتفاقا این شکست و ناکامیها را با وجود دلسردی و نتایج مخربش در شکل دیگری میتوانست عملی برای تحرک جدید جامعه و نیروهای مترقی و سوسیالیست برای بسیج توده ای و سازماندهی جدید و تلاش جدی تر برای به نتیجه رساندن رفرا ندوم و اعلام استقلال تبدیل نمود. بدون چنین تحرکی شکست کامل این پروژه حتمی است.

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...



سوسیالیسم امروز: روز چهارشنبه بعد از توافق دفتر سیاسی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق و طرفهای درگیر در "حکومت اقلیم" طی بیانیه ای اعلام گردید که نتیجه رفراندوم را "معلق" میکنند و حاضر به گفتگو با دولت عبادی هستند. نماینده رهبری جمهوری اسلامی ظاهر از آن استقبال نموده، و گفته "پیش بینی" میگردند. امریکا هم همچنین و اما عبادی که مزه پیروزی را چشیده است راضی نیست و گفته باید "رفراندوم ابطال" گردد. و سر انجام دیروز جمعه ۲۷ اکتبر ترفین اعلام آتشب کرده اند. شما فکر میکنید سر انجام این روند به کجا منتهی خواهد گردید؟

سلام زیجی: همچنانکه گفتیم تا زمانی که در بر روی این پاشنه بچرخد و رهبری رفراندوم و تصمیم گیری حول اراده میلیونها انسان دست یک جمعی در حکومت اقلیم شکست خورده و همزمان در دست رهبران دیگر در خانواده طالبانی قرار بگیرد بنظر میرسد قدم به قدم هر چیزی که عبادی و جمهوری اسلامی و ترکیه و امریکا بخواهند اینها انجام خواهند داد. آنها در یک چشم به هم زن نزدیک به چند شهر و بیش از ۴۰ درصد از مناطق تحت کنترل خود که مورد مناقشه بود تحویل دادند، زمانی که شاهد فاجعه مبنی بر نقشه رهبری کننده یک مزدور چون سلیمان قاسمینی دی ایجاد شکاف عمیقی بین

فعال آتش بس را بپذیرند. اما اصل صورت مسئله مخالفت کلیه آنها علیه اعلام استقلال سر جایی خود است چرا که امریکا بیش از عبادی و خامنه ای مخالف چنین پروژه ای بوده و هست.

امریکا "کردها" را برای جنگهای همسو با هدف خودش، پیاده نظام لازم دارد! بر عکس تصورات رایج و توهم پراکنی احزاب ناسیونالیست کرد امریکا هیچگاه "پدر کردها" نبوده! بر عکس، همدست و همکار کلیه دولتهای مرکزی بوده که بر شهروندان کرد زبان ستم اعمال نموده اند، در طول تاریخ چنین بوده است. تا زمانی که استقلال به نفع امریکا نباشد و ابزاری در خدمت سیاستهای منطقه ای آن، هر گز از آن حمایت نخواهد کرد.

اما در صورت ادامه این فشارها علیه شهروندان مقیم کردستان عراق ممکن است دیر یا زود انفجار اجتماعی هم علیه حکومت اقلیم و هم دولت بغداد و ایران و ترکیه منجر گردد. در صورت غیاب حضور نیروهای مترقی، ممکن است حتی به بروز جنگ و کشمکش داخلی بین احزاب ناسیونالیست کرد نیز منجر گردد. من فکر میکنیم در صورت تداوم فشار بیشتر بر مناطق کرد نشین باید علیه آن وسیعا به میدان آمد، و هم دولت اسلامی عراق و هم حکومت اقلیم را مورد تعرض توده ای و گسترده قرار داد. تلاش برای پایان دادن به جنگ و فضای جنگی بین دولت بغداد و اقلیم کردستان خوب است و توصیه ما هم بوده است، اما این امر باید دو طرفه و متکی به حداقلی از حفظ حق و حرمت حق شهروندان رای دهنده باشد نه بر بستر تسلیم کردن کامل جامعه. در هر صورت نباید خواست احمقانه عبادی و

سیستم حاکمیتی "حکومت" اقلیم هیودیم و بخشی از نیروی نظامی شان را از کرکوک و مناطق دیگر وادار به عقب نشینی چرا نباید انتظار داشت در صورت غیبت نیروی جدی تر در صحنه تا آخرین مرحله سیاست تسلیم کردنشان جلو بروند. اما نباید گذاشت تسلیم شدن آنها به تسلیم جامعه و شهروندان که به درست از حق خود برای شرکت در رفراندوم استفاده کردن ترجمه عملی گردد. بنظر میرسد پخش جنایت و نقش جنایت کارانه حشد سعبی و سپاه پاسداران ایران و در اختیار داشتن تانک و صلاح مدرن امریکا یان و دیگر صحنه های آوارگی و ویران کردن زندگی شهروندان و گسترش نفرت همگانی از امریکا که عملا در کنار جمهوری اسلامی و حکومت عبادی و حشد چنین سناریویی را تحمیل کردند باعث گردیده که مقداری شرم و فشار را بر نیروهای امریکائی به افزایش دولت امریکا که دنبال هدف خود است، چند روز پیش در راستائی "ایجاد فشار به ایران" در صدد نزدیکتر کردن عبادی با پادشاهی عربستان و دنیای عرب بر آمده، به هدف رام کردن بیشتر ایران. از این جهت ممکن است مقداری مانع ایجاد شود در مقابل فشار نظامی که مستقیما از سوی ایران علیه کردستان عراق هدایت میگردید. دفاع از پیام آتش بس "اقلیم کردستان" به ویژه وقتی دیدند که در چند نبرد اخیر نیز نیروهای تروریست حشد و عراق و ایرانی شکست خوردند، امریکا را وادار کرد در راستای اهداف خود، عبادی را نیز که کوتاه نیامده بود، و در حالی که با مقامات ایران در حال "رایزنی" بود و از همانجا اعلام کردند باید کل رفراندوم "باطل" شود، ناچار کرد که

همفکرانش را مبنی بر ابطال نتایج رفراندوم به هیچ وجه پذیرفته شود. پذیرش آن توسط احزاب حاکم کورد به معنی توهین آشکار و فروختن رسمی و قانونی و "خیانت" مجدد و آشکار و دیگری علیه کلیه شهروندان است، در چنین حالتی حق است و ضروری است که جامعه بیرون بریزد و آنها را با نفرت و تعرض و قیام توده ای خود از سر راه بر دارند.

سوسیالیسم امروز: شما چه اقدامات و راهلی را در این موقعیت مناسب می دانید.

سلام زیجی: قبلا گفته ایم اعلام استقلال، آماده شدن برای دفاع از آن، تحت رهبری و نیروی انقلابی مترقی و سوسیالیست و دفاع از یک کشور مستقل غیر قومی و غیر اسلامی جدید در کردستان "عراق". متأسفانه از آنجا که کردستان عراق و عراق محل فعالیت مستقیم ما نبوده و نیست نمی توانیم نقش موثر و مستقیمی ایفا نماییم به نفع شهروندان کرد زبان و کارگران و زحمتکشانش در آن جغرافیا. با این وجود حاضر بودیم و هستیم تا در صورت به حرکت در آمدن نیروی سوم و انقلابی هم برای دفاع سیاسی و عملی از نتیجه رفراندوم و استقلال و هم در صورت لزوم از نظر نظامی نیز در دفاع از شهروندان که مورد تعرض آدمکشانش اسلامی حشد شعبی و سپاه پاسداران و غیره قرار میگیرند و در کمک به نیروهای چپ و مترقی اقدام نماییم.



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

اکنون بعد از نزدیک به دو هفته از یورش نظامی به کرکوک و مناطق دیگر و به دنبال به وجود آمدن شکاف عمیق در اتحادیه میهنی و حکومت اقلیم و دادن امتیازات زیاد به دولت عبادی و ایران و ترکیه میگذرد، اوضاع کنونی به شدت سخت و پیچیده تر شده است. مهمترین جنبه و عوارض منفی آن احساس شکست و ناکامی است که شهروندان رای دهنده برعکس دوره قبل از حمله نظامی به کردستان عراق و اعمال فشارها که میشود ملزومات بهتری را فراهم نمود اکنون کارها به مراتب سخت تر شده است.

آنهايي که فکر میکنند از راه دیپلماسی، مذاکره و "تقسیم قدرت" و غیره میتوانند "حق مردم کرد" و مسئله استقلال را به نتیجه برسانند قبل از همه سر خود کلامی گذارند. آنهايي هم که راه حل را "جنبش شورائی" صرف و در دل این اوضاع و بدون حزب و نیروی رزمنده و عمل انقلابی را برای آن جامعه نسخه پیچی میکنند پوپولیستهای بی عمل و پرتی بیش نیستند. همه این راهها امتحان خود را در شرایط خاص در عراق و کردستان عراق حساب پس داده است و شکست خورده اند.

ما میگوئیم امر مهم به نتیجه رساندن استقلال آن منطقه به نفع آزادی و برابری و رفاه و سکولاریسم است. و ضرورت فوری تامین ملزومات اولیه تحقق آن یک مبارزه توده ای و انقلابی

سازمانیافته مسلح و دفع شر و جنگجوی دولتهای سرکوبگر و "خیانت" کنندگان محلی وجد فوری، بیرون راندن کلیه عوامل جمهوری اسلامی و ترکیه در کردستان عراق، ایجاد احزاب و جنبش سیاسی سازمانیافته جدید و مترقی سوسیالیستی و سکولار و متحد غیر مذهبی و غیر قومی و آماده برای هزینه کردن ضروری و بیرون راندن هر نیرویی که بخواهد با زور مانع ایجاد نماید. بدون چنین تلاش و نتیجه ای آینده کردستان حتی قبل از اینکه در دست "اقلیم کردستان" بماند بیشتر در اختیار "روابط دوستانه" با امثال ایران و سلیمان قاسمیانی ها و حشد شعبی ها و "دوستان شیعه" و ترکیه و امریکائیان برای دوره بسیار طولانی گرفتار باقی خواهد ماند.

سوسیالیسم امروز: به نقش سپاه پاسداران و به طور مشخص قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس که مستقیماً در این حملات شرکت داشته و رسماً هم با جناحی از اتحادیه میهنی بر سر کرکوک توافقاتی انجام داده بود، اشاره گردید. به نظر شما سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی در منطقه به دنبال چه هستند؟

سلام زیجی: آنها به دنبال این هستند که بجای جلال طالبانی اکنون همه اتحادیه میهنی و یا اگر بتوانند همه مردم کردستان عراق را ببرند روی قبر خمینی وحشی آدمکش گریه کنند! میخواهند از این طریق هر شکلی روحیه مبارزاتی و وجود سکولاریسم و چپ بودن در مناطق کرد نشین را به نفع مساجد و سینه زنی و مزخرفات دینی و شئونات مذهبی و فرهنگ امام حسینشان تمام کنند، دنبال این هستند که بگویند

ما "دوست کردها هستیم" اما کرد زبانان کشور تحت سلطه خود را سلاخی میکنیم. در واقع دنبال کسب هژمونی کامل بر اتحادیه میهنی بعد از طالبانی هستند که از این طریق سیاستهای خود را در کردستان عراق به پیش ببرند و "حلال شیعه کردی" (کثیف ترین و جانی ترین طرح و نقشه) خود را از عراق به سوریه و حزب اللهو غیر وصل کنند. این هدف محوری این رژیم آدمکشان است.

دنبال این هستند که همانطوری که از طریق عبادی و حشد شعبی عراق را تقریباً از آن خود کرده است از طریق اتحادیه میهنی یا حتی جنبش گوران و جریانات اسلامی دیگر کردستان عراق را تحت کنترل خود در بیاورد و بلاخر دنبال این است که کل شهروندان کردستان عراق را مجازات کند که چرا رفتند پای صندوق انتخابات و حرف و تهدید آنها را نادیده گرفتند. و سر انجام با این فشارها و تحقیرها میخواهند اعتراضات و مخاطرات که در ایران و خصوصاً در مناطق کردنشین ایران همواره گریبان جمهوری اسلامی را گرفته خنثی و تضعیف نمایند. جمهوری اسلامی برای تداوم بقای خود در کشور و دور زدن بحرانهای متعددی که گریبانش را گرفته است نیازمند دخالت در بیرون مرزها، نفوذ در دولتها و احزاب اسلامی و دست ساخت خود و ایجاد دیوار حفاظتی - ارتجاعی از خود در قبال ما اپوزسیون، مردم مبارز ایران و همچنین مخاطرات و فشارهای که از سوی امریکا و عربستان و غیره متوجه خود می بیند.

سوسیالیسم امروز: شهر کرکوک به عنوان یک شهر نفت خیز سالهاست مورد اختلاف طرفهای درگیر در منطقه می باشد و بارها بر سر مسئله کرکوک درگیریهایی پیش آمده است و تا به حال مسئله کرکوک به عنوان یک پرونده باز باعث پیش آمدن درگیریهای بیشتر شده است، راه حل های شما برای پایان دادن به بحران کرکوک چه می تواند باشد؟

سلام زیجی: همین داستان "نفت خیز بودن" کرکوک عمق اهداف غیر انسانی طرفهای درگیر بر سر کرکوک را بر ملا میکند. همه تلاششان برای چپاول نفت و پولهای باد آورده ناشی از آن برای تداوم حاکمیت و اعمال زور و حکومت ابدی خود بر شهروندان در عراق و کردستان عراق است. بنظر من راه حل کرکوک راه حل تامین همزیستی همه شهروندان مقیم آنجا بطور برابر و بدون دخالت فاشیسم و ناسیونالیسم ترک، اسلامی و کورد و دولتها و احزابشان است. راه حلی که منفعت و برابری شهروندان را مستقل از خرافات ملی و مذهبی باید مبنا قرار داد. نه حکومت "کردی" نه حکومت "عربی" نه سیستم ورشکسته فدرالیستی جوابگوئی اوضاع نه کردستان و عراق است و نه بطریق اولی راهی برای اداره کرکوک! اینها خود آتش بیار معرکه جنگ و نفرت قومی و مذهبی بوده و هستند. عقل و درایت و نیرو و سیاست و تصمیم سومی باید جایگزین آنها نمود، سیاست و تصمیمی که طبعاً باید در کل روند کردستان عراق نیز دست بالا پیدا کند.

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

باید تصمیم بر سر موضوعات نفت و گاز را از سرنوشت زندگی شهروندان در آن شهر و کل جامعه کردستان و عراق جدا کرد!

راه حل اول و واقعی تر پایان دادن به حکومت اسلامی قومی در کل عراق و کردستان عراق است. با نماندن چنین نظامهای بنظر من ۹۹ درصد کل معضلات جامعه حل خواهد شد. اما متاسفانه به دلیل خلا کارگری سوسیالیستی بسیار جدی در عراق و کردستان بنظر میرسد چنین راه حل انسانی در سطح آرزوی ما فعلا باقی بماند، اما راحل دوم این است که تصمیم نهایی را به رای و تصمیم خود شهروندان مقیم کرکوک و دیگر مناطق مشابه واگذار شود. به هر شکلی از زندگی مشترک، با هم زیستن تا جدایی، به عراق وصل شدن یا به اقلیم کردستان تداعی شدن را با رای خود شهروندان و با حضور نهادهای بیطرف بین المللی به سر انجام رساند. در صورت موافقت اکثریت با هر طرحی باید آنرا پذیرفت و اجرا گردد. اصل صورت مسئله تامین حق و حقوق شهروندی برابری در همه زمینه های سیاسی- اداری و اقتصادی بر اساس رای گیری و تضمین شراکت همگانی در همه امور باید باشد.

شما اگر جدایی ها و فرزندوها و همچنین ماندگاری در چهار چوب کشور واحد را بر مبنای پدیده های مخرب چون مذهب و قوم و ملیت در نظر نگیرید انسانیت و منفعت و حق ،

برابر شهروندی را مبنا بگیرید نیازی به این همه دعوا و جنگ و مشکلات نیست! اما تا زمانی که دست مذهب و ناسیونالیسم ارتجاعی در کل عراق و کردستان عراق کوتاه نگردد، تا زمانی که کلیت پدیده مساله کورد تکلیفش با حکومت عراق به تمامی حل و فصل نگردد نه عراق و کردستان و نه متاسفانه شهروندان کرکوک از دست جنگ و دعوی حاکمیت فاشیست عراق و ترکیه و ایران و همچنین از دست احزاب ناسیونالیست کورد خلاصی پیدا نخواهند یافت.

سوسیالیسم امروز: به عنوان آخرین سوال، آموزه ها و درسهای این اتفاق کدامند؟

سلام زیجی: این رویدادها یکبار دیگر چند درس بسیار مهم و فراموش نشدنی برای طبقه کارگر و کل شهروندان از جمله شهروندان کرد زبان به همراه داشت، از جمله:

۱- اولین درس و تجربه: راه حل اصولی و سراسری و کم مشقترین آلترناتیو برای پایان دادن به سرکوب و استبداد و نابرابریها و کانسگستر بازیهای نظامی و زورگویی، از جمله حول مساله کورد و ستم ملی، سرنگونی کامل دولتهای حاکم منطقه، ایران، عراق و ترکیه و سوریه از مجرائی مبارزه و خیزش انقلابی و قهر انقلابی، با پرهیز از خرافات کشنده و احساساتی مذهبی و ملی گرای، و از راه تامین اتحاد صفوف کل طبقه کارگر و شهروندان مترقی و نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و با هدف استقرار یک نظام سوسیالیستی و غیر قومی و غیر مذهبی است.

۲- درس دوم: اگر چه جنبش

ناسیونالیسم کرد و احزابش بخشی از صورت مسله کورد و محصول اعمال ستم ملی از جانب دولت مرکزی است در مناطق کرد نشین، اما به دلیل منفعت سیاسی و اقتصادی مشترک طبقاتی شان با همان دولتی که با آن درگیر هستند نمیخواهند همه پلهای پشت سر خود را با همان دولتها خراب کنند، از اینروتوان مقابله انقلابی و متکی به خود شهروندان و تلاش برای جلب همراهی جامعه جهانی و شهروندان برای پاسخ به حل مسئله کورد را ندارند و نباید برای پایان دادن به مسئله ملی و ستم ملی به آنها متکی بود و رهبری و سیاست آنها را پذیرفت. آنها هرگاه منفعتشان به خطر به افتد، از هیچ نوع ناپیگیری، تبنایی و "خیانتی" نه به همقطاران خود در احزاب هم جنبشی خود و نه نسبت به کلیه شهروندان دیگر کوتاهی نخواهند کرد. تمام تاریخ این نیروها و جنبش گویائی این حقیقت ساده است!

۳- درس سوم: برای پایان دادن به کشمکش ملی و مسله کورد در منطقه نباید با هیچ دولتی همسو و تبنایی کرد، نباید به امریکا هیچ اعتمادی کرد، نباید به هیچ حزبی که برای خود ثروت اندوزی کرده و ثروت کلان جامعه را به ملک شخصی و سازمانی تبدیل کرده است یک ثانیه اعتمادی نمود، چون بخاطر آن ثروت و منفعت اقتصادی هم هم شده مردم را می فروشند. نفس دعوائ احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد اساسا بر سر این است که چرا بطور "برابر" در قدرت و اقتصاد کشوری سهیم نیستند. اختلاف اینها با هیچکدام از دولتهای فاشیست و سرکوبگر نه بر سر آزادی و

۴- درس چهارم: عکس العمل دولت اسلامی عراق و دیگر مرتجعین همپیمان طی این دوره یکبار دیگر ثابت کرد که نه تنها اصل فراندوم بر حق بوده که استقلال کردستان عراق از آن کشور یک پدیده ضروری و حتمی شده است، اما همچنانکه تاکید شد با نباید پای مساله مهم مانند فراندوم و استقلال رفت یا اگر میرویم باید ملزومات کامل اثر را تدارک دید، رهبری آنرا بدست نیروهای که همیشه شکست و ناکامی

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

سوره بقره: " دل‌های آنها مریض است پس خدا بر مرض ایشان بیفزاید و آنها را عذابی دردناک است. بدین سبب که دروغ می‌گویند چون آنها را گویند که در زمین فساد مکنید پاسخ دهند که تنها ما به صلاح کار می‌کنیم".

قصاص قبل از جنایت و تغییر ناپذیری افراد برای بهتر زیستن در زمین از هنرهای کتاب روشنی بخش و راهنمای انسان‌هاست. حال اینکه نکته جالب

توجه دعوت به اجبار ادیان جهان به دلیل ناکارآمد بودن دینشان آشکار و مثال زدنی است. دردناک بودن عذاب منافقین از قبل تعیین شده بخاطر امراض احساسی آنها بوده اگر چنین است چرا آیات قبلی آنها را از نظر فکری توانا و زیرک قید کرده‌اند. نتیجه اینکه دروغگو حضور ذهن ندارد. مصلحت اندیشی نسبی منافقین نشان دهنده زندگی مصالمت آمیز و بدون جنگ و خون ریزیست. آیات ۱۲/۱۳: "آگاه باشید که ایشان سخت مفسدند ولی خود نمیدانند و چون گویند به آنها ایمان آوردید چنانکه دیگران ایمان آوردند پاسخ دهند که چون ما ایمان بیاوریم بمانند بی خردان آگاه باشید که ایشان خودسخت بی خردند ولی نمیدانند". مجدداً در این دو آیه ما شاهد داوریهایی قبل از جنایت هستیم اگر کل قرآن را بخوانیم متوجه این موضوع میشویم که بیشتر از هشتاد درصد این کتاب تکرار مکررات است و نشان دهنده ضعف آن. توجه آیات دوازده و سیزده به فاسد بودن افراد باهوش و نپذیرفتن توهمات و تخیلات و دور زدن افراد دین دار است.

"آیه ۱۴": چون به اهل ایمان برخورد گویند ما ایمان آورده ایم و چون خلوت با شیطانهای خودکنند گویند ما باطناً با شما می‌جنگیم جز اینکه مومنان را استهزا کنیم. گفتمان پیاپی درون همراه با تخیل پرداز و دواوری درونی و اشتغال فکری و خود را محکوم کردن به اعمال و رفتارهایی که ساخته و پرداخته ذهنیت بیمارگونه افراد دیندار است جلب توجه مینماید.

"آیه ۱۵": خدا به آنها استهزا کند و آنها را در گمراهی رها کند که حیران و سرگردان باشند. کرامت و مهربانی لطف پروردگار را چگونه به تصویر کشیده‌اند حتی در این آیه کوچکترین صبوری از خداوند نشان نداده در عین حال او را خالق عجول و بی تدبیر خوانده که میخواهد بندگان را به حیرانی و سرگردانی شان بیفزاید.

"آیه ۱۶": ایشانند که خریدند گمراهی را به جای راه راست پس تجارت آنها سود نکرد و راه هدایت نیافتند".

آگاهی و علم روشن فکرانرا به تجارت تشبیه و آنرا بی فایده عنوان نموده‌اند در صورتیکه دین اسلام خود منبع گمراهی و زلالت انسان‌هاست.

"آیات ۱۷/۱۸": آنان کرو کور و گنگند و از ضلالت خود بر نمی‌گردند. یا مثل آنان چون کسانیست که در بیابان بارانی تند بر آنها بیارد و در تاریکی و رعد و برق آنان سر انگشت خود را از بیم مرگ در گوشها گذارند و عذاب خدا کافر آنها را فرا گیرد".

ایا آیات رحمت چنین است، خود خلق کند، خودگمراه کند، خود بمیراند، و در آتش دوزخ بیافکند. در آیه‌های پیشین زدن مهر جهالت قبل از تولد بردل انسانها بوضوح آمده حال آنکه پس از سپری شدن عمر انسان چه مجازاتهای سنگینی برای آخرت ما در نظر گرفته‌اند. کتاب بشارت و راهنما عجب هفت سرانگشت بیست که توان و سرمایه بشری را در جهت منافع سرکردگان دینی به اسارت گرفته و روز به روز انسان را به سوی نابودی و انحطاط میکشاند. به امید روزی که مردم فهیم این مرزوبوم از زیر سیطره دینی نجات یافته تا حداقل فرزندان ما روزی به وجود خود افتخار کنند.

زنده باد کارگر، نابود باد جمهوری دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

ادامه دارد

گفتگو با سلام زیجی در باره تحولات...

به جامعه و مردم کردستان تحمیل کرده‌اند نباید داد، و بلاخره تا آخرین لحظه و آخرین نقطه مبارزه و مقابله با هر شکلی از تهدید و لشکر کشی و جنگ تحمیلی احتمالی باید جلو رفت و به نتیجه رساند. سازماندهی توده‌ای، و حضور فعال سیاسی کل شهروندان مترقی و آزدیخواه، آمادگی نظامی و اقتصادی کافی و توان جلب افکار عمومی مترقی بخش مهمی از ملزومات پیروزی چنین اقدامی است.

۵- درس پنجم: وبعلاوه، مهمترین درس دیگر تحولات کنونی در کردستان عراق برای مردم آزادیخواه در ایران و کردستان ایران این است که نباید آن تجربه و مسیر را الگوی خود بدانیم. بر عکس در گام نخست و فوری تلاش برای پایان دادن به عمر ننگین رژیم جمهوری فاشیست اسلامی را وظیفه محوری خود دانسته و راه حل بخش اعظم مشکلات تحمیلی از جمله مسئله کرد در کردستان ایران را نیز از این مجرا میتوان با کمترین هزینه به سر انجام رساند. مردم کردستان ایران باید طرحهای ضد انسانی که کشمش ناشی از آنرا در این چند سال و امروز در عراق تجربه کردیم مانند فدرالیسم قومی و تقسیم قدرت بر اساس ملیت و مذهب، که نیروهای ورشکست اپوزسیون مسلح کرد طرح میکنند هرگز پذیرا نباشیم، به خود این نیروا نباید اعتماد کرد زیرا قبل از کردستان عراق در ایران و کردستان ایران ما شاهد "خیانت" آنها بوده ایم. به احزاب و سیاست و نیروهای جدید باید روی آورد و متکی شد.

۶- بنیادی ترین درس و تجربه: این است که، هم راه رسیدن به هدف "مشترک" سرنگونی کامل رژیم جانی اسلامی حاکم بر ایران، و هم راه دستیابی به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه، و هم راه حل واقعی پایان دادن قطعی به ستم ملی و دیگر تبعیضات و اعمال نابرابریها در کشوری که همواره از جانب ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی یا فاشیسم اسلامی گری ستم و جنایتهای بی شماری در حق کل شهروندان اعمال شده و میشود، تنها و تنها از راه پیوستن به سیاست و اهداف سازمانهای مترقی، انقلابی، غیر قومی و غیر مذهبی، و سکولار و سوسیالیستی، از جمله حزب سوسیالیست انقلابی میسر و ممکن خواهد بود! به جای امید بستن به این و آن دولت و توصل به سیاست و تبلیغات راسیستی و ناسیونالیستی و مذهبی، که همیشه شکست و جنگ و سرخوردگی به ارمغان آورده است، برای دستیابی به آزادی و برابری باید به خود و به سیاستهای انقلابی و سوسیالیستی و رهبران و نیروهای که خود بخشی از ستم و چپاولگران اقتصادی و سرکوب نیستند متکی بود!

امروز پیروزی شهروندان در کردستان عراق و دیگر مناطق عراق نیز به منظور پایان دادن به قرنهای کشمکش و جنگ و ویرانگری تحمیل شده بر خود هیچ راهی جز توصل به سیاستها و راه حل ها فوق و رضایت دادن به استقلال کردستان عراق از کشور عراق پیش روی خود ندارند، هر چه زوتر این امر اتفاق به افتد عوارض و درد و رنج اجتماعی آن برای توده کارگر و زحمتکش و صف آزادیخواهان کمتر خواهد شد.

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

نسل جوان، نسل آزادیخواه و نسلی در حرکت

(قسمت اول)

عزیز آجیکند



رژیم اسلامی مدام در تلاش بوده است با بهره گیری از سیستم آموزش و پرورش، رسانه ها و منبرهای مساجد و غیره و با استفاده از ماشین سرکوب روحی و جسمی نسل جوان امروز را در قالبهای پیش ساخته اسلامی بگنجانند از ماهیت انقلابی آن بکاھد و از آنان مجموعه ای انسان خرافی و مطیع بسازد. اگر چه این تلاش ها نتیجه مورد نظر رژیم را ببار نیاورده است و بر بطن یک مقاومت و مبارزه گسترده و عظیم در جامعه با ناکامی روبرو شده است، اما تأثیرات دردناک آن بر روان و جسم جوانان قابل مشاهده است. شکی نیست که نسل جوان امروز در ایران در دل سنتهای پیشرو و مترقی جامعه و در متن مبارزه انسانهای شریف و کمونیستهای انقلابی این امکان را یافته اند اجازه ندهند جمهوری اسلامی آنها را خرافی بار آورد. شکی نیست که این پیروزی در دل پروسه ای دردناک به دست آمده است. به همین جهت این جوانان ملامت از خشمند. با وضع حاکم میسئیزند، طرحی نو و بذر اندیشه ترقی و مدرنیسم را در شور بازار سیاست میباشند. تا باشد نسل امروز را از گرداب طوفانی شب پرستان رهایی بخشند و به ساحل امید آزادی واقعی هدایت کنند و شاهین بلند پرواز پیروزی را به آغوش کشند. مبارزه حاصل از این خشم باید هدایت گردد، خیزش محتمل ناشی از این خشم باید بخشی از خیزش جوانان انقلابی و همه قشرهای جامعه شود تا با سرنگون کردن جمهوری اسلامی گامهای سریع خود به سمت استقرار سوسیالیسم را بردارد.

جنبش آزادیخواهی در بین جوانان جنبش آزادیخواهی جوانان یک پدیده کاملاً سیاسی و اجتماعی است به خصوص در جامعه ای چون ایران.

این جنبش از متن و بطن مشکلات و مشقات زندگی و در یک فضای بسته و دیکتاتوری قد برافراشت. جنبشی که همیشه در میان شعله های تبعیض، تعصب و خرافه پرستی و تحقیر و ساختار طبقاتی و فقر کمر شکن بوده و برای برون رفت از آن تلاش و قربانی فراوان داده است.

جنبش آزادیخواهی جوانان در ایران تبلور اراده و تجسم آهنگ یک نسل محروم از قدرت است. این نسل سالهاست کاسه شکیبایی و بردباری اش لبریز و سرازیر گردیده و از گسترده و شدت اعمال تبعیض و نابرابری در معادلات قدرت به ستوه آمده و بیتاب گردیده است. این جنبش با بدن خسته و کوفته، روح رنجور و آسیب دیده برای نابودی و محو بنیادهای بیعدالتی، تبعیض و نابرابری برای جانفشانی و ایثار پا به میدان گذاشته تا قانون پوسیده ارتجاع و تبعیض را در روابط اجتماعی و مناسبات قدرت و سیاست برچیند و با منطق انسانی و مکانیزم حقوقی، مطالبات خویش را طرح نمایند. این نسل و این جنبش میخواهد گل را بر گلوله و عقل را بر خشونت و ارتجاع و خرافه پرستی جایگزین نمایند. کتاب و قلم را بر دیکتاتوری، اعدام و زندان و ترور تقدم بخشند تا بدین شیوه و با چنین تلاشی روش عملی حاکمیت رژیم اسلامی را تغییر داده و وضع موجود را با انقلاب و دگرگونی پایان دهند. خود جوش جوانان از بنابراین جنبش میان خروارها خاکستر، دود و آتش تعصب، تحقیر و تبعیض سر برآورده و با نیروی سرکوبگری چون سپاه درافتاده و در چشم انداز پاسداران خود قدم به آینده می گذارد که در آن امیدهای نسل آینده خود را نوید میدهد.

باشد به کمک چنین نیروی سر زنده ایی جامعه ای را ساخت که آرزوی انسان امروزی را برآورده سازد.

ایام جوانی مرحله ای است که انسان دارای قوت و نیروی جسمی و فکری نوینی میباشد که باید از آن بصورت مفید استفاده شود. جوان و جوانی واژه هایی هستند که در ذهن همه ما القا کننده معانی چون حرکت، نیرو، پیشرفت، تازه گی، شادابی و غیره می باشد. در کشور های پیشرفته جهان، دولت ها همیشه بیشترین سرمایه گذاری ها را بروی جوانان میکنند، زیرا از یک طرف این طیف از جامعه دارای افکار تازه و نو و از طرف دیگر بیشترین نیرو و توان را نسبت به دیگر گروه ها را دارا میباشند. همچنانکه جوانان به عنوان نقطه قوت و اتکا در یک جامعه به شمار میروند به همان میزان میتوانند نقطه ضعف برای یک اجتماع محسوب شوند دلیل آن این است که همیشه در کشورهای جهان سوم در گام نخست این جوانان هستند که اغلب مورد شکار کشورهای سرمایه داری قرار میگیرند و همین گروه به اشکال گوناگون خلع سلاح فکری و مسئولیت پذیری میشوند و بدین شیوه توانایی های لازم و زنده و پر انرژی را از چنین جامعه هایی که در آن ارتجاع به شیوه ی گسترده حاکم است را میگیرند و از بین می برند که بدون شک این خود بهترین خدمت را به ارتجاع حاکم میکند. در یک جامعه مدرن و در قدم نخست جوانان باید در زندگی شان یک برنامه خوب و مهندسی شده داشته باشند، نسبت به مسائل مربوط به زندگی، اجتماع و محیطی که در پیرامون آن زندگی میکنند آگاهی کامل داشته و همیشه مسئولیت پذیر باشند.

طبق اعتقادات کارشناسان سیاسی و آگاه به مسایل اجتماعی در جامعه ملاحظاتی مشهود دیده میشود که جامعه ما به عنوان یک جامعه جوان که فرایند گزار از یک بحران عمیق سیاسی و طبقاتی را پشت سر میگذارد، همزمان مدرنیسم و همزیستی مسالمت آمیز رابه کندی تجربه میکند. جوانان در این جامعه با چالش ها و گاه مسائلی مربوط به مشکلات اجتماعی، سیاسی، طبقاتی و فرهنگی فراوان و فزاینده یی روبرو میباشند که بیکاری، عدم اعتماد به آینده، اعتیاد به مواد مخدر، ازدواج های اجباری، فقر و بحران های هویتی از پیش بینی ترین پیامدهای وضعیت موجود بر زندگی جوانان بر شمرده میشود.

نقش جوانان در ساختار جامعه مهم و ارزنده است، زیرا جوانان را مسئولین و آینده سازان فردای جامعه باید دانست. بدین منظور والدین و سطح آموزش و پرورش در سطح جامعه مسئولیت بزرگ و بنیادی در برابر فرزندان خود دارند. نوجوانی یک دوره حساس میان کودکی و بزرگسالی است، به مرور زمان رشد و تحول جسمانی، شخصیتی و اجتماعی در یک فرد، از آغاز بلوغ تا هنگام پذیرش مسئولیتها در جامعه صورت میگیرد و این تغییرات اساسی معمولاً بین سنین سیزده الی بیست دوسالگی صورت میپذیرد. درین ایام، جوان پا در یک تحول جدید گذاشته و دوران کودکی را پشت سر میگذارد. پس درین مرحله جامعه و به خصوص والدین را متوجه این امر میسازد، تا با تربیت درست و سالم در قبال فرزندان خود قدم به سوی یک جامعه زنده و مدرن و امروزی بردارند. تا

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلام کمک فوری
خواهد کرد.



حقوق کودکان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی

ابراهیم باتمانی

با یک نگاه کوتاه به حاکمیت تا به امروز جمهوری اسلامی ایران می توان به خوبی وضعیت کودکان را در جامعه ایران تشخیص داد. کودکان در ایران و در سایه لطف این رژیم فاسد، به سر کار فرستاده می شوند، مجازات کیفری می بینند و حتی اعدام می شوند. ازدواج کودکان زیر هجده سال قانونی و البته شرعی است. کودکان در ایران تهدید به مرگ میشوند و آینده کاملاً تاریک در انتظار آنان است. کودک اولویت جامعه بشری است. در تمام دنیای امروزی و در مرحله اول دولت ها مسئول سلامتی و تندرستی و آرامش و تغذیه و حرمت و کرامت کودکان هستند نه خانواده. اما در جمهوری اسلامی همه چیز بر عکس قضیه می باشد. در ایران دولت جمهوری اسلامی عامل بی حقوقی و نبود تندرستی و آرامش و تغذیه و حرمت و کرامت کودکان است. در همین لحظه من که مشغول نوشتن این مطلب هستم طبق آمار به اصطلاح حقوق بشر و سازمان ملل و خود رسانهای بوزاری در سطح جهان مگویند در هر دقیقه ۱۰ کودک فقط به علت سوء تغذیه و عدم دارو جان خودت را از دست میدهند یعنی در یک ساعت ۶۰۰ کودک قربانی این نظام استعمارگر و فاسد میشوند در حالی که کارتلها و شرکت های غول پیگر پول و سود بیشتری به جیب میزنند.

در ایران اسلام زده، کودک آزاری به عنوان یک پدیده و یک معضل در آمده است. پدیده و معضلی کاملاً شناخته شده و لمس شده در جامعه امروز. قبل از این که کودک چشم به جهان بگشاید و متولد شود در شکم مادرش که از طرف اسلام تحقیر و بی حقوق و نصف انسان به حساب میاید، کودک احساس ناامنی و عدم سو تغذیه و استرس و مشکلات زندگی پدر و مادرش را حس میکند. کودکان به جای اینکه به روال طبیعی کودکی خودشان دنبال سرگرمی های کودکانه خود باشند و بخندند و بازی کنند و پارک بروند و شنا بروند و مشغول فوتبال و والیبال و رقص و ایسکی و صفر باشند و سر حال و شاد، باید در دنیای سیاهی که برایشان درست شده است زندگی کنند و بدور از هر کدام از این سرگرمیها و دنیای کودکانه خود به زندگی خود ادامه دهند.

متأسفانه کودکان طبقه کارگر و زحمتکش و تهیدستان که ۹۰ درصد جامعه ی ایران را تشکیل میدهند مشکلات جدی دارند و از لحاظ اقتصادی نمیتوانند دلخواه خوشان بروند مدرسه و در همان اوایل کودکی مجبور هستند برای ماندن خودشان و کمک به خانواده شان وارد بازار کار شوند. از سیگار و آدامس فروشی تا واکس زدن کفش و ماشین شستن در خیابانها آنها با شکم گرسنه صبح تا نصف شب یا در کورپزخانه ها و مراکز کار و غیره باید بیرون باشند. بدون حمام و غذای مناسب، بدون لباس مناسب و با دهها مشکلات دیگر. و همچنین شاهد بی کاری پدر و مادر خود بودن که با دعوای ناشی از فشار زندگی و یا شاهد معتاد بودن خواهر و برادر و دهها گرفتاری دیگر باشند. در ایران دخترها به خاطر فقر مالی خانواده شان از سن ۱۲ و ۱۴ سالگی تن به ازدواج میدهند و پروسه بچگی هم فراموش میشوند، و وارد مشکلات جدی تر آنها در خانه شوهر میشوند.

پس از به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، این پدیده اجتماعی ناگوار که دختران کم سن و سال را تحت شعاع قرار داد، شکل قانونی به خود گرفت و بدین ترتیب موجب بروز فجایعی بس بزرگ تر و جبران ناپذیر در زندگی کودکان دختر در این مرز و بوم شد که بدون شک نقض آشکار حقوق کودکان است. تا جای که متأسفانه در ایران کودکان به فروش میروند و حتا بعضیها از مجبوری نوزاد خود را در کنار زباله دانها رها میکنند تا کسی دیگر مسئولیت بزرگ کردنش را بر عهده بگیرد. خوابیدن در کنار خیابانها، و با همان کارتون خوابی در گوشه و کنار در قیرستانها همراه خانواده از مشکلات عمده خانواده هایست که در زیر خط فقر زندگی میکنند که متأسفانه چنین شرایط و وضعیت نابسامانی را برای فرزندان آنها درست کرده است.

دها و صدها مشکلات دیگر که کودکان در ایران در زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی و نمایندگان خدا که همگی دزد و دروغگو و آدمکش هستند قربانی میشوند. اما بر عکس منابع آن مملکت در دست سران حکومت است که به میل خودشان بدون اینکه حسابی به کسی پس بدهند میخورند و در بانکهای اروپا و ترکیه و روسیه و چین و مالزی و هند و کشورهای عربی به میلیون و میلیاردها دلار سرمایه گذاری کرده اند و آقا زاده ها همه صاحب دو پاسپورت و سه پاسپورت هستند و همه آقا زاده در خارج با پول مردم ایران دارند زندگی میکنند و یا پولهای مردم ایران را به سوریه و عراق و یمن و افغانستان و پاکستان میدهند به خاطر گسترش شیعه گری بدون اینکه جواب مردم را بدهند. اما اکثر مردم ایران به خصوص کودکان شب و روز با مشکلات عمده ای دست و پنجه نرم میکنند. نه فقط رهائی بزرگ سالان و سالمندان که بطریق اولی رهائی کودکان نیز اساساً در گروه سرنگونی جمهوری اسلامی ضد کودک است!

کارگران و زحمتکش و ستمدیدگان، جوانان، زنان، آزادیخواهان و برابری طلبان و مدافعین حق کودک! پیش به سوی اتحاد و همبستگی و همدلی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و این رژیم سر تا پا فاسد و نکبت. در این مبارزه حزب سوسیالیست انقلابی ایران سنگر به سنگر با شماس و امیدوارم بتوانیم یک دنیای بدون جنگ و خونریزی و تبعیض و نابرابری بنا نهیم که همه انسانها از جمله کودکان در آن از امنیت و رفا و یک زندگی خوشبخت بهره مند گردند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
به امید یک دنیا بهتر برای کودکان

اخراج و بیکار سازی موقوف!